



● عبدالرضا صابونی

## بهینه کردن تاثیرات جهانی شدن بر بازار کار و امنیت شغلی در ایران با استفاده از تجربه اروپا

### ۱- مقدمه

جهانی شدن پدیده‌ای است که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییرات بسیاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عرصه بین‌الملل شده است و کشورهای بسیاری را به چالش کشانده است. جهانی شدن مهمترین و

بارزترین وجه تمایز اقتصاد امروز و دیروز جهان است. گسترش روزافزون سازمانها و اتحادیه‌های اقتصادی و منطقه‌ای نظیر ASEAN، NAFTA، ECO، ادغام بازارهای مالی، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی، ادغام بانکهای بزرگ جهان، تأسیس سازمان تجارت جهانی و قدرت‌نمایی آن در عرصه بین‌الملل، گسترش ارتباطات ماهواره‌ای

و شبکه‌های کامپیوتری، گسترش و توسعه شبکه حمل و نقل بین‌المللی و کاهش شدید هزینه‌های حمل و نقل و پراهمیت شدن نقش شرکتها در مقایسه با دولتها در نظام جهانی، همچنین آزادی بیش از پیش نقل و انتقال سرمایه بین کشورهای جهان (مانند ادغام دو شرکت اتومبیل‌سازی مرسدس بنز و کرایسلر) همگی از

مصادیق بارز و مشخص جهانی شدن اقتصاد است. جهانی شدن را چه توسعه سریع پیوندهای میان جوامع فرهنگی، نهادها و افراد سرتاسر جهان بدانیم و چه از منظر فشردگی زمان و مکان به آن توجه کنیم و چه به اقتباس از آنتونی گیدنز آن را عمل در عرصه‌های نو بدانیم، فرآیندی است که زمینه ساز اصلی پیشرفت صنعت و تکنولوژی بوده است.

شاهد این مدعا آن که در لیست رتبه بندی کشورهای جهان از نظر درجه بین المللی شدن، همواره نام کشورهای پیشرفته صنعتی مانند آمریکا، آلمان، انگلستان و یا تازه صنعتی شده مانند سنگاپور و هنگ کنگ در رده های اول تا دهم به چشم می خورد. بنابراین به نظر می رسد در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، اتخاذ استراتژی توسعه صنعتی و ایجاد چارچوب های اولیه و فراهم آوردن بستر زمینه مناسب جهت وارد شدن به عرصه جهانی و استفاده از امکانات جهانی، لازم و ضروری باشد.

اما باید دانست که پیش شرط اجرای موفقیت آمیز سیاستهای توسعه صنعتی این است که صنایع کلیدی و صناعی را که در آنها مزیت نسبی داریم بشناسیم و روی آنها سرمایه گذاری کنیم.

در این مقاله، نگارنده در ابتدا در قالب ادبیات موضوع، تعریفی از جهانی شدن و تاریخچه ای از آن بیان می کند، سپس تأثیرات جهانی شدن بر بازار

کار و اشتغال را تشریح نموده و در نهایت سعی دارد تا با تبدیل نقاط ضعف به قوت و تهدید به فرصت، راهکارهایی عملی جهت بهینه کردن این تأثیرات ارائه نماید<sup>۴</sup>.

## ۲- تعریف جهانی شدن

مارتین آلبرو جهانی شدن را به فرایند هایی که بر اساس آن تمام مردم

### جهانی شدن پدیده ای است که بر اثر وقوع آن، در تصمیم گیری ها و فعالیت های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی انسانها، نقش مرزهای جغرافیایی به حداقل کاهش می یابد

جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می پیوندند، تعریف می کند. تعریف فوق تنها تعریف ارائه شده از جهانی شدن نیست و در این خصوص به موارد بسیاری می توان اشاره کرد. برای مثال امانوئل ریپستر جهانی شدن را شکل گیری شبکه ای می داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاک دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل وحدت جهانی ادغام می شوند.

بنابراین چه گفته شد، در واقع جهانی شدن پدیده ای است که بر اثر وقوع آن، در تصمیم گیری ها و فعالیت های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی انسانها، نقش مرزهای جغرافیایی به حداقل کاهش می یابد. در این رهگذر منافع تک تک مردم و کشورها بیش از پیش

در منافع تمام مردم و تمام کشورهای جهان در هم تنیده خواهد شد.

در دنیای جهانی شده، واژه ملی جای خود را به واژه بین المللی خواهد داد، لذا در قرن حاضر که به قول الوین تافلر عصر دانایی است نه تنها کالا و خدمات و سرمایه بین الملل مختلف دنیا به آسانی به گردش در می آید بلکه افکار و دانش بشری نیز آسان تر و بی حد و مرزتر از گذشته مبادله می شود.

## ۲-۱- جهانی شدن اقتصاد

با تعاریفی که از جهانی شدن به مفهوم عام آن ارائه شد جهانی شدن اقتصاد را می توان به شرایطی تعریف کرد که در آن حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه گذاری و تولید و نقل و انتقالات مالی کمترین نقش را داراست، به این ترتیب با جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد کشورهای جهانی به شدت به هم وابسته می شود موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می یابد و نقل و انتقالات مالی بین کشورهای آسانی میسر می گردد [۲].

در تعریفی دیگر، جهانی شدن اقتصاد را به معنای کاهش قدرت کنترل دولت ها بر نقل و انتقالات مالی و فن آوری دانسته اند. همچنین جهانی شدن به معنای توسعه تجارت و تولید به منظور یکپارچه کردن بازار بین المللی در نظر گرفته شده است.

جهانی شدن اقتصاد، اقتصادهایی را که تا زمانی به دلایل مختلف



همچون بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل و فاصله‌های جغرافیایی از هم دور بودند، بیش از پیش به هم نزدیک می‌کند، چرا که در این صورت برای شرکت‌های تولیدی و بازرگانی هر جایی از این کره خاکی می‌تواند یک بازار هدف باشد.

در این راستا پیشرفت خیره‌کننده تکنولوژی اطلاعات مانند تجارت الکترونیکی به بهترین نحو به کمک آمده است و اهمیت فاصله‌های جغرافیایی و جد و مرزهای رسمی کشورها را حتی برای شرکت‌های کوچک تولیدی و بازرگانی به حداقل کاهش داده است. با بروز این پدیده امروزه دیگر استفاده از پسوندهای ملی برای مواردی نظیر سرمایه، انواع کالاها و محصولات و اوراق بهادار تا حد زیادی معنی خود را از دست داده است. در این قسمت و پیش از پرداختن به تأثیر این پدیده بر کشورهای مختلف جهان توسعه یافته و در حال توسعه، خالی از فایده نخواهد بود اگر مختصری نیز به تاریخچه جهانی شدن بپردازیم.

### ۳- تاریخچه جهانی شدن

گرچه استفاده از واژه جهانی شدن چندی است که در گفتمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مرسوم شده است، ولی پیشینه تاریخی آن را در سطح جهانی و بین‌المللی حداقل می‌توان از اوائل نیمه دوم قرن بیستم سراغ گرفت. اتفاقاتی نظیر تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، انتشار کتاب دهکده جهانی توسط مک لوهان

(۱۹۶۵)، انتشار کتاب موج سوم توسط الوین تافلر (۱۹۷۸)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹) و اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸)، همگی از پیش زمینه‌های بروز پدیده‌ای است که هر چه می‌گذرد بر شدت و قدرت آن افزوده می‌شود. گذشته از موارد فوق می‌توان گفت، شرایط و مسیر حرکت اقتصاد جهانی به گونه‌ای است که بروز این پدیده و تقویت آن نتیجه منطقی

**گرچه استفاده از واژه جهانی شدن چندی است که در گفتمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مرسوم شده است، ولی پیشینه تاریخی آن را در سطح جهانی و بین‌المللی حداقل می‌توان از اوائل نیمه دوم قرن بیستم سراغ گرفت**

این حرکت و شرایط است. برای مثال در تأسیسات و متعاقب آن سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ چیزی که بیش از همه نقش داشت، این بود که شرایط تولیدی و رشد اقتصادی کشورها به جایی رسیده بود که آزاد سازی تجارت در جهان به صورت امری اجتناب‌ناپذیر در آمده بود. این سازمان امروزه با آزادسازی جریان سرمایه در جهان بیشترین نقش را در پیشبرد و تقویت پدیده‌ای دارد که ما امروزه از آن به عنوان جهانی شدن یاد می‌کنیم. شایان توضیح است که در این راستا رشد شگفت‌انگیز

فن آوری در اموری نظیر حمل و نقل و مخابرات و ایفای نقش رایانه پس از انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰ بسیار به کار آمده است. تا پانزده یا بیست سال قبل ملتهای صنعتی غربی در خیلی از بازارهای جهان حکومت بلامنازعه‌ای روی محصولات نو و بدیع و تکنولوژیهای پیشرفته اعمال می‌کردند. این گروه با عنوان تأمین‌کنندگان، در بازارهای جهانی حضوری جدی داشتند، اما در بازارهای اختصاصی وضعیت متفاوت و در بین ملتها رقابت شدید وجود داشت. در این کشورها اغلب سازندگانی بودند که دانش فنی و اختصاصی لازم را برای تولید محصولات با تکنولوژی بالا در اختیار داشته، در بیشتر موارد آنها تنها مالکان کارخانه‌های تولیدی بودند. این امر موجب بروز دستاوردهای مثبت در این گونه کشورها شد. به طوری که کاهش میزان هزینه‌های تخصیص داده شده برای نیروی کاری در قیمت‌های برآورد شده محصول، تنها موضوع مورد علاقه آنها بوده و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود داشت به صورتی که قیمت محصولات نباید از قیمت‌های رقبا در بازار به لحاظ هزینه‌های نیروی کاری به طور چشم‌گیری بالاتر می‌رفت.

این مورد مخصوصاً در ارتباط با کشور آلمان بیشتر به واقعیت نزدیک بود. صرف نظر از تظاهرات موردی در رابطه با حقوق و دستمزد و تغییرات مربوط به شرایط بازار کار که بسیار



صلح جویانه و با بحث و تبادل نظر بین اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای وابسته به کار فرمایان و با تبادلات جمعی حل و فصل شد، تضاد مشهود دیگری بین شرکتها و نیروهای کاری به وقوع نپیوسته است. در همین دوران خیلی از اقتصادهای کشورهای دیگر مخصوصاً در شرق و آسیای شرقی کسر بودجه قبلی خود را در ارتباط با هزینه‌های کسب دانش فنی و تبادلات اقتصادی بازپرداخت کرده و حتی از بعضی از کشورهای قدیمی صنعتی نیز پیشی گرفته‌اند. این کشورها خود را به طور کامل با سیستم تقسیم کار بین‌المللی همگون ساخته و این خود برای جمعیت این گونه کشورها مفید است. یک دلیل عمده تحولات در کشورهای ذکر شده می‌تواند این امر باشد که تکنولوژیهای پیچیده و کیفیت بالای محصول در حال حاضر ارتباط کمتری به یک محل به خصوص دارد، درست برخلاف آنچه که در چند سال قبل رایج بود. بنا براین کشورهای صنعتی با سرعتی چشمگیر در حال از دست دادن رهبری در حیطه تکنولوژیهای پیچیده هستند که برای مدت زمانی طولانی روی آن سلطه داشته‌اند.

۴- تأثیر جهانی شدن بر بازار کار و اشتغال  
۴-۱- گسترش تقسیم کار بین‌المللی  
با بروز این پدیده و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجاری موجود

در زمینه نقل و انتقالات سرمایه و منابع مالی، قطعاً تقسیم کار بین‌المللی گسترش خواهد یافت که این خود به افزایش کارآئی اقتصاد بین‌المللی کمک شایانی خواهد نمود. اکنون با توجه به موارد مطروحه فوق، باید دید کشورهای مختلف جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه چگونه از این فرایند نصیب خواهند برد و چرا اغلب کشورهای در حال توسعه از این

### جهانی شدن محصول و فاکتورهای بازارها، در افزایش سریع تبادلات اقتصادی که تعداد آن ناشناخته است مستتر هستند

پدیده بیم دارند؟ چرا این پدیده برای حامیان جهانی سازی و صف رویای فرصت ها و سعادت هاست و برای مخالفین این پدیده کابوس آزمندی‌ها و نابرابری‌ها.

#### ۴-۱-۱- بازارهای موجود

در چند دهه اخیر برای مثال بازار کشور آلمان تقریباً به طور کامل به روی کارگران خارجی بسته بود، در این مدت فقط تعداد محدودی کارگر میهمان اجازه کار اخذ کرده و موفق به کار در این کشور شده‌اند. این نیروی کاری عمدتاً از کشورهای ایتالیا، یوگسلاوی سابق و ترکیه و اکثر کارگران با مهارت پایین در بازار کار داخلی مشغول بودند. در طی سالهای اخیر این بازار کار به سمت بین‌المللی شدن در حال حرکت

بوده است که دلیل عمده آن وجود جوامع اقتصادی اروپای غربی است امروزه این بازار (بازار کشور آلمان) به روی جهان باز است، زیرا نیروی کاری در اروپای شرقی همچون هند، جزایر فیلیپین یا آمریکای مرکزی برای تأمین کارگر مورد نیاز و ارسال آن به آلمان در حال رقابت است و البته دلیل عمده آن وجود تکنولوژی های مدرن ارتباطاتی و حرکت آزادانه سرمایه است. این کارگران حتی نیاز به مهاجرت به کشور آلمان را نداشته و قادر خواهند بود که در کشور خویش برای شرکتهای آلمانی کار کنند. به عنوان نمونه شرکت ای.جی. یک شرکت تولید فلز وابسته به شرکت کراپ صدها مهندس را در هندوستان به کارگمارده که در توسعه ماشین آلات جدید با دفتر مرکزی شرکت اسیسین از طریق ماهواره همکاری می‌کنند. شرکت لوفتانزا حسابداری و صدور صورت حساب‌ها و قبوض خود را به وسیله کارمندان هندی وارد کامپیوتر می‌کند، در نتیجه زیر بنای اطلاعاتی و ارتباطی در زمینه بانک‌ها موارد پولی یا تبادلات بورس و در اثر توسعه، محدوده گسترده‌ای از ابداعات اقتصادی سرمایه‌های نقدی که در گذشته بی حرکت بود بسیار پویا شده است. جهانی شدن محصول و فاکتورهای بازارها، در افزایش سریع تبادلات اقتصادی که تعداد آن ناشناخته است مستتر هستند. از سالهای ۱۹۸۰ افزایش چشمگیری در سرمایه‌گذاری مستقیم که لازمه ایجاد و توسعه کارخانه‌های تولیدی است در



خارج مشاهده می شود به همین ترتیب درصد بالای مشارکت در سهم شرکت های خارجی انجام گرفته و افزایش در سرمایه گذاری دولتی در کشورهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است. چیزی که باعث بروز بعضی مشکلات برای بانکهای مرکزی در دولت های ملی در کشورهای صنعتی غرب شده، ناتوانی در توجه این گونه دولت ها به عکس العمل ها در بازارهای اقتصادی در مواقع تصمیم گیری های مالی است. در صورتی که بخواهند خوشبختی از دست رفته انسان های جامعه را تأمین کنند، بایستی مصرف کنندگان را در نظر داشته باشند، زیرا این عکس العمل ها روی

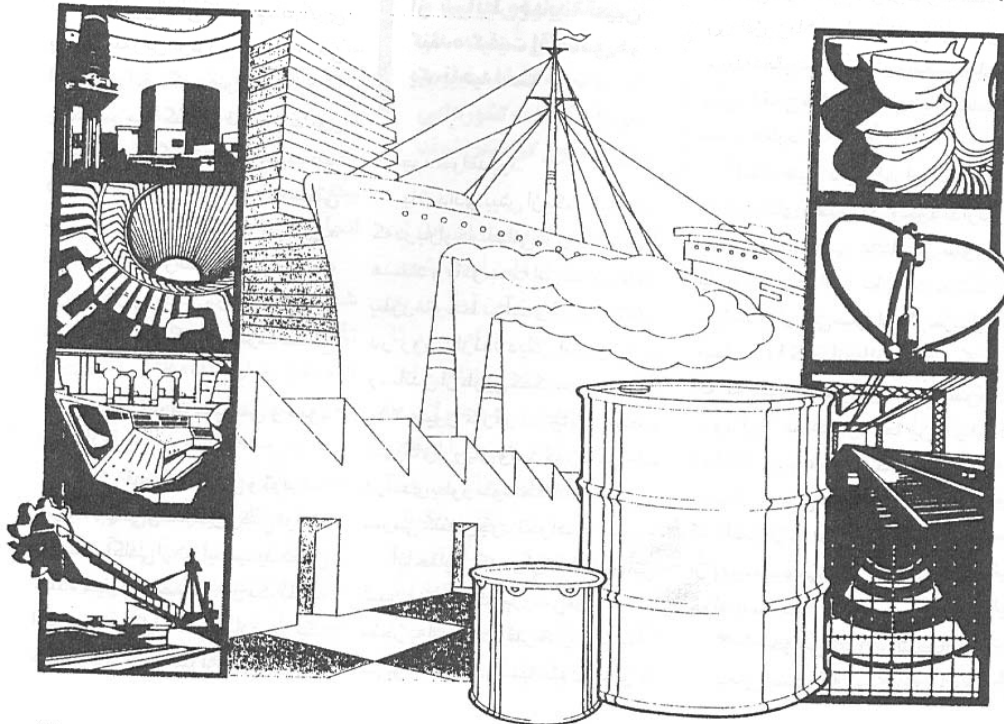
نرخ تبادلات ارزی و نرخ بهره بانکی به گونه ای اساسی و با تأثیرات شدید اثر خواهد گذاشت و به همین ترتیب رویکرد اقتصاد کلی کشور، چرخه تجارت، بیکاری و ارزش پولی نیز

**برای سرمایه گذاران  
سازماندهی شده مانند بانکها  
مؤسسات بیمه، صندوقهای  
بازنشستگی و دیگران امکان  
سرمایه گذاری در سرتاسر  
جهان مهیا شده است**

بی تأثیر نخواهد بود. برای سرمایه گذاران سازماندهی شده مانند بانکها مؤسسات بیمه، صندوقهای

بازنشستگی و دیگران امکان سرمایه گذاری در سرتاسر جهان مهیا شده است. سرمایه گذاران بدون تأمل روی نظرات سیاست مداران و بی توجه به نظر گروه های اجتماعی درباره عدالت یا بی عدالتی اجتماعی و تأثیراتی که بر روی شرکت های داخلی به لحاظ تصمیمات اتخاذ شده خواهند داشت، شرایط سیاسی، اقتصادی را در یک ناحیه در نظر گرفته با توجه به میزان خطر پذیری منطقه ای و یا درصد سوددهی سرمایه، در آن ناحیه اقدام به انتشار و بکار انداختن سرمایه می کنند.

البته این فعالیتها، بدون شک محدودیت هایی را فراروی سیاست های



اقتصادی در سطح ملی قرار خواهد داد. وجود این محدودیت‌ها در بعضی موارد برای افراد با تعصبات ملی رقت‌انگیز است. اما شما می‌توانید از دیدی دیگر نیز این نکته را مورد توجه قرار دهید و آن بدست آوردن آزادی بیشتر افراد جامعه نسبت به محدودیت‌های وضع شده توسط دولت و قدرت سیاسی حاکم و سیاست‌های آنان است. حتی اگر این قدرت سیاسی بر اساس قوانین دموکراسی تدوین شده باشد، وابستگی شهروندان به نقطه نظرات سیاستمداران چنانچه به عنوان عضوی از یک سازمان یا یک حزب سیاسی باشند که بدون شک در کشورهای آزاد نیز وجود دارد می‌تواند با شدت یا فتن تقسیم‌کار بین المللی کاهش چشم‌گیری پیدا کند. بنابراین هر فرد بیش از هر زمانی این امکان را دارد که به عنوان یک کارفرما یا یک سرمایه‌گذار نه فقط در کشور خود بلکه در دیگر کشورها فعالیت کند. در حال حاضر روش تفکرات سنتی سیاستمداران که فرض را بر این گذارده اند که دولت می‌تواند بر اساس خواسته اش در کار و زندگی مردم بدون هیچ تأثیر منفی دخالت کند، در شرف اصلاح است.

#### ۴-۱-۲- قدرت سیاسی و سود اقتصادی

کاهش قدرت سیاسی و توجه به شرایط جهانی و همچنین وضع قوانین بر اساس آگاهی از شرایط جدید، تعیین کننده کیفیت اقتصادی در یک ناحیه است. هر چه کیفیت اقتصادی در یک منطقه بالاتر برود، میزان سوددهی در

آن ناحیه بیشتر خواهد بود و در نتیجه مورد هجوم بیشتر سرمایه‌گذاران کشورهای دیگر قرار گرفت. بنابراین سیاستمداران مجبور به اتخاذ تصمیماتی هستند که در درجه بندی بین المللی منطقه اقتصادی آن امتیاز بیشتری کسب کرده و رو به کاهش نداشته و ترجیحاً رشدی افزایشی و مثبت داشته باشد. بنا به دلایل ذکر شده، برای ملتهای صنعتی ضروری ترین موضوع، متحول ساختن مؤسسات

#### کاهش قدرت سیاسی و توجه به شرایط جهانی و همچنین وضع قوانین بر اساس آگاهی از شرایط جدید، تعیین کننده کیفیت اقتصادی در یک ناحیه است

موجود خواهد بود.

با تعدادی بیش از یک میلیارد نفر که در بازار کار جهانی در پی یافتن شغل هستند و با توجه به این که این تعداد بطور متوسط درآمدی کمتر از ۳ دلار در روز دارند، دیگر امکان یاری رساندن از طریق کمک مؤسسات به ۲۵۰ میلیون کارگر در ایالات متحده آمریکا و اروپای واحد که زندگی را با درآمدی بطور متوسط ۸۵ دلار در روز سر می‌کنند وجود نخواهد داشت. آیا حقایقی که در ارتباط با جهانی شدن مورد بحث و بررسی قرار گرفت، منجر به از دست رفتن قدرت اقتصاد ملی و مختل شدن سیاستهای مربوط

به اصلاحات اجتماعی خواهد شد؟ به دلیل تقسیم‌کار بین المللی و یک سری تبادلات فی مابین دولت‌ها سیاست‌های اقتصادی هرگز نمی‌توانند کاملاً مستقل باشند، بنابراین بدون در نظر داشتن مصالح کشورهای که از لحاظ سیستم تقسیم‌کار بین المللی با همکاری دارند قادر نخواهیم بود به هر کاری که مایلیم دست بزنیم بر عکس مجبور خواهیم بود که خود را به صورتی که تعهدات بین المللی را زیر سؤال نبرد محدود کنیم. هدف باید جلوگیری از بروز مشکلات در اقتصاد که بسیار به بازار جهانی کار وابسته است، باشد. این امر تا جایی پیش می‌رود که حتی اگر تقسیم‌کار در حال توسعه روز افزون باشد، باید با نام جهانی شدن حیطه فعالیت و گسترش سیاست‌های ملی را کمی بیشتر از آنچه باید باشد محدود کرد.

البته، هیچ دلیلی برای ترسیم سناریوهای وحشتناک وجود ندارد. ممکن است کمی فشار از سوی بازارهای جهانی، مقررات خشک سیاست‌های ملی سازمان‌ها و حزبهای سیاسی را کمی انعطاف پذیرتر کند که به طور حتم برای منافع عموم سود آور خواهد بود، اما این امر از لحاظ تئوری و عملی مشکلات ملت‌های صنعتی قدیمی مانند کشور آلمان را که ناشی از به اجرا در آمدن بخشی از پدیده جهانی شدن است آشکار خواهد ساخت.

۴-۲- جهانی شدن و اشتغال  
بحثی است، که در زمینه روابط



تجارت خارجی، پاداش در نظر گرفته شده برای فاکتورهای تولید و با کیفیت برابر در کشورهای مختلف در طول زمان یکسان خواهد بود، بنا بر این بعضی از افراد عقیده دارند که اساساً یک دلیل اصلی برای وجود بیکاری در کشورهای صنعتی حقوق بسیار بالای افراد در این کشورها نسبت به کشورهای در حال توسعه است. این احوال در کشورهای صنعتی، برای باقی ماندن در بازار رقابتی و کاهش نرخ بیکاری، کاهش عمومی در میزان حقوق دریافتی امری ضروری به نظر می رسد. تعدادی از شرکت های آلمانی که در سال های قبل به خارج مهاجرت کرده و دلیل عمده این مهاجرت، اجرت کم کارگران نیمه ماهر در کشور مقصد بوده در حال حاضر در حدود بازگرداندن مراکز تولیدی خود به آلمان هستند اگرچه حقوق در این کشور بسیار بالاست، ولی کارگران ماهر با درجه بالایی از بهره وری در این کشور وجود دارد. این فاکتور اساسی به این نکته اشاره دارد که فاکتور کار، همه جا یکسان نیست این موضوع نکته اصلی بحث تجارت خارجی است. اختلاف در بهره وری در بین نیروی کار، امکان وجود اختلاف در میزان حقوق را در محل های مختلف بوجود آورده است. مسلماً سطح کلی حقوق نیروی کار در کشوری که قادر باشد ارزش افزوده بیشتری تولید کرده یا از دانش فنی منابع مختلف برای ابداع محصولات و فرآیندهای تولیدی جدید استفاده کند، بالاتر است.

البته با تشدید تقسیم کار در سطح بین المللی می توان فرض را بر این نهاد که محصولاتی با نیاز به تکنولوژی پایین و مخصوصاً آن دسته از محصولات که فقط به نیروی بدنی وابسته اند به کشورهای با میزان حقوق کم منتقل شوند. در شرایط فعلی تا حدودی این اتفاق بصورت واقعی رخ داده است، اما در کشورهایی که سطح حقوق در آنها نسبتاً بالاست، پیش بینی میشود بازارهایی جدید برای کارگران ماهر و محصولاتی که به سرمایه

**با تشدید تقسیم کار در سطح بین المللی می توان فرض را بر این نهاد که محصولاتی با نیاز به تکنولوژی پایین و مخصوصاً آن دسته از محصولات که فقط به نیروی بدنی وابسته اند به کشورهای با میزان حقوق کم منتقل شوند**

انسانی و مهارتهای تکنولوژی همراه با خلاقیت بالا نیاز دارد ایجاد شود مضافاً این که تجارت بین الملل رو به افزایش بوده و قادر خواهد بود تا حدودی از دست رفتن مشاغل را از طریق افزایش هجرت محصولات با نیاز پایین به تکنولوژی، جبران بکند. این واقعیت که کشورهای در حال توسعه در زمینه تقسیم کار بین المللی در حال رسیدن به کشورهای توسعه یافته هستند، بدین معنی نیست که فرایند جهانی شدن تأثیر منفی روی توسعه اقتصادی و اشتغال خواهد داشت، همین

طور حقایق آماری فرض وجود ارتباط بین جهانی شدن و میزان بیکاری در کشورهای صنعتی را رد می کند. به دو مثال در این ارتباط توجه فرمایید:

۱- در کشورهای آلمان، سوئد، بریتانیا، بلژیک و هلند نرخ بیکاری افزایش پیدا نکرده ولی در نیمه دهه ۱۹۸۰ میلادی، کاهش نشان داده است. این اتفاق درست در زمانی رخ داده که فرایند جهانی شدن برای مدتی در جریان بوده البته رشد شدید بیکاری در شروع دهه ۱۹۹۰ میلادی دلایلی جدای از جهانی شدن دارد.

۲- ایالات متحده آمریکا توانست نرخ بیکاری را در این کشور با وجود نوسانات شدید از ۱۰ درصد به تقریباً ۶ درصد بین سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵ کاهش دهد.

تشدید تقسیم کار بین المللی که با نام جهانی شدن عنوان می شود، از نظر تئوری و عملی توضیحی مفید برای بیکاری مستمر در بین کشورهای غربی انجام نمی دهد.

سؤال دیگر این است که آیا جهانی شدن روی ساختار اشتغال و بیکاری تأثیر قابل توجهی دارد یا خیر؟ همچنان که در قبل اشاره شد، مطابق با تئوری تجارت خارجی در مورد کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، افزایش تجارت بین دولت ها منجر به کاهش در نیاز به کارگران با درصد مهارت پایین و افزایش نیاز به کارگران با درصد مهارت بالا در کشورهای صنعتی خواهد شد. به دلیل این تغییرات ساختاری در میزان تقاضا برای نیروی کار، ارزش



گذاری و اهمیت نیروی کار غیر ماهر نسبت به کارگران با درصد مهارت بالا، سیر نزولی خواهد داشت. این فشار به روی نیروی کار با مهارت بالا به دو دلیل اصلی انجام می شود: یکی به دلیل صادرات محصولات، کشورهای صنعتی که به لحاظ کیفیت و بدیع بودن محصولات، باید بازارهای بیشتری را به دست بیاورند. دوم این که کشورهای صنعتی خواهان استفاده از نیروهای کاری و سطح دستمزدهای پایین در کشورهای در حال توسعه هستند. نظر به این که انتقال صادرات صنعتی کشورهای توسعه یافته به خارج از مرزها را بیشتر محصولات با تکنولوژی پیچیده و به کارگیری نیروی کاری ماهر شامل می شود نیاز به کارگران با سطح مهارت پایین در این گونه کشورها کاهش چشم گیری نشان خواهد داد و به عکس نیاز به کارگران ماهر به طور روزافزون افزایش می یابد. سرمایه گذاری مستقیم در مناطق دیگر منجر به کاهش در تقاضا برای کارگران غیر ماهر در کشورهای صنعتی شده از یک طرف فشار ناشی از تجارت بین الملل را روی اشتغال و حقوق کارگران غیر ماهر تقویت کرده و از طرف دیگر باعث افزایش در اشتغال و درآمد بیشتر کارگران ماهر خواهد شد. البته باید این نکته مورد توجه باشد که فاکتورهای کاملاً متفاوتی روی ساختار تقاضا برای نیروی کار مؤثر است، در رابطه با کشور آلمان این واقعیت قابل کتمان نیست که سیاستهای جاری

در مورد حقوق و دستمزد که به توافق جمیع احزاب رسیده مدتی است تقاضای کارگران غیر ماهر را کاهش داده است. به دلایل فرضی و گمان عمومی، حقوق و دستمزد کارگران غیر ماهر در مقایسه با کارگران ماهر به مقدار بیشتری در طول زمان افزایش داشته است. مسائل عنوان شده از این قبیل منجر به تغییرات در نحوه انجام کار و جایگزینی کارگران غیر ماهر با دستگاهها یا ماشین آلات شده است.

### به طور کلی میزان تقاضا برای کارگران با مهارت پایین در کشورهای صنعتی غربی در چند سال گذشته به طور چشم گیری کاهش پیدا کرده که شاهدهی بر اثبات تئوری تجارت خارجی و نقش آن بر اشتغال است

جدای از این عوامل و تأثیرات مشتق شده از سایر عوامل، باید به ساختار بیکاری از دیدگاه ساختار کلی تقاضا برای محصول توجه داشت. مصداق جمله بالا می تواند افزایش تقاضا در مورد انواع خدمات باشد.

با توجه به نقطه نظرات تجربی می توان بدین صورت ابراز داشت که به طور کلی میزان تقاضا برای کارگران با مهارت پایین در کشورهای صنعتی غربی در چند سال گذشته به طور چشمگیری کاهش پیدا کرده که شاهدهی بر اثبات تئوری تجارت خارجی و نقش آن بر اشتغال است. در نتیجه، در بعضی

از کشورها، درآمد کارگران غیر ماهر در مقایسه با درآمد کارگران ماهر کاهش پیدا کرده است، مخصوصاً در کشورهای آمریکا و بریتانیا این امر منجر به افزایش نابرابری در درآمدها شده است. نابرابری در کشورهای ژاپن و هلند به طور نامحسوسی افزایش نشان می دهد. در کشورهای سوئد و دانمارک شرایط تغییر محسوسی نداشته و در کشورهای آلمان و بلژیک نابرابری بین توزیع در آمد ناخالص در کارگران رو به کاهش داشته است. این یک حقیقت است که کشورهای قاره اروپا در صورت اعمال تنظیمات اقتصادی باید تحت شرایط مشابه قرار گیرند، با این احوال نظر به این امر که تاکنون افزایش بیکاری مانند آنچه که در ایالات متحده آمریکا و انگلستان اتفاق افتاده در میان کارگران غیر ماهر مشاهده نشده، مشخص کننده این است که فاکتورهای دیگری در قاره اروپا سبب کاهش تقاضا برای کارگران غیر ماهر شده است.

جهانی شدن به هیچ عنوان از میان بردارنده شغل ها نخواهد بود، ولی در مواردی که بازارها به سوی جهانی شدن در حرکتند، توسعه بی رویه اقتصادی و سوء مدیریت سیاست های اقتصاد ملی، بسیار شفاف و بدون پرده پوشی برملا شده است. البته ناگفته نماند که جهانی شدن به خودی خود موجب آن نشده است.

با توجه به تمام جوانب، زمان آن رسیده است که سیاستمداران در کشور ما، احزاب، نمایندگان، مؤسسات





و عموم مردم دقت روز افزونی روی نتایج مثبت فرایند جهانی شدن معطوف دارند. بر اساس تجربیات، ما به این آگاهی دست یافتیم، در صورتی که مشکلات انطباق با شرایط جدید از میان

**پیش شرط اجرای موفقیت آمیز سیاستهای توسعه صنعتی این است که تأثیرات جهانی شدن را به خوبی بشناسیم و بر مبنای آن اقدام به طرح ریزی برنامه های توسعه کشور نماییم، زیرا جهانی شدن پدیده ای است که بروز کرده و هر روز به قدرت آن افزوده می شود**

برداشته شود، بعضی از این گسترش های با جنبه مثبت منجر به خوشبختی بیشتر انسان ها خواهد شد، مضافاً این که اگر راه حل دیگری برای بنا نهادن ساختارهای تازه ای در اقتصاد جامعه مطرح نباشد و با شرط اینکه سیاستمداران را تشویق به معرفی اصلاحات ساختاری مورد نیاز و به اجرا گذاردن آنها به طور مداوم برای برگرداندن اقتصاد به مسیر رشد کنیم منجر به موفقیت های دراز مدت و بهینه خواهد شد.

#### ۵- نتیجه گیری

برخلاف آنچه عموماً تصور می شود جهانی شدن پدیده ای صرفاً اقتصادی نیست بلکه تمام جنبه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زندگی بشر امروز را علاوه بر اقتصاد در برمی

گیرد. در واقع جهانی شدن محیط یگانه ای را برای کلیه کشورهای جهان بوجود می آورد که در آن پیوندهای بین المللی به حداکثر خواهد رسید.

به نظر می رسد در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، اتخاذ استراتژی توسعه صنعتی و ایجاد چارچوب های اولیه و فراهم آوردن بستر و زمینه مناسب جهت وارد شدن به عرصه جهانی و استفاده از امکانات جهانی، لازم و ضروری باشد.

پیش شرط اجرای موفقیت آمیز سیاستهای توسعه صنعتی این است که تأثیرات جهانی شدن را به خوبی بشناسیم و بر مبنای آن اقدام به طرح ریزی برنامه های توسعه کشور نماییم، زیرا جهانی شدن پدیده ای است که بروز کرده و هر روز به قدرت آن افزوده می شود.

مطابق با تئوری تجارت خارجی در مورد کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، افزایش تجارت بین دولتها منجر به کاهش در نیاز به کارگران با درصد مهارت پایین و افزایش نیاز به کارگران با درصد مهارت بالا در کشورهای صنعتی خواهد شد. به دلیل این تغییرات ساختاری در میزان تقاضا برای نیروی کاری، ارزش گذاری و اهمیت نیروی کار غیر ماهر نسبت به کارگران با درصد مهارت بالا، سیر نزولی خواهد داشت. با بروز این پدیده و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجاری موجود در زمینه نقل و انتقالات سرمایه و منابع مالی، قطعاً تقسیم کار بین المللی گسترش خواهد

یافت.

نظر به این که انتقال صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به خارج از مرزها را بیشتر محصولاتی با تکنولوژی پیچیده و به کارگیری نیروی کاری ماهر شامل می شود نیاز به کارگران با سطح مهارت پایین در این گونه کشورها کاهش چشم گیری نشان خواهد داد و به عکس نیاز به کارگران ماهر به طور روز افزون افزایش می یابد. سرمایه گذاری مستقیم در مناطق دیگر منجر به کاهش در تقاضا برای کارگران غیر ماهر در کشورهای صنعتی شده از یک طرف فشار ناشی از تجارت بین الملل را روی اشتغال و حقوق کارگران غیر ماهر تقویت کرده و از طرف دیگر باعث افزایش در اشتغال و درآمد بیشتر کارگران ماهر خواهد شد.

جهانی شدن به هیچ عنوان از میان بردارنده شغلها نخواهد بود ولی در مواردی که بازارها به سوی جهانی شدن در حرکتند، توسعه بی رویه اقتصادی و سومدیریت سیاست های اقتصاد ملی، بسیار شفاف و بدون پرده پوشی برملا شده است. البته ناگفته نماند که جهانی شدن به خودی خود موجب آن نشده است.

فرایند جهانی شدن که در حال حاضر به کشورهای در حال توسعه ضربه شروع تحولات را وارد ساخته می تواند منشأ انتقال اقتصاد به گذرگاه رشد و تضمین کننده موقعیت های بلند مدت اشتغال باشد.

